

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43991.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۳، بهار - تابستان ۱۳۸۷
صفحات ۳۴۵ الی ۳۵۳، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۵/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۴

واکاوی لزوم استیذان در قصاص

دکتر محمدجواد شریعت باقری*

چکیده: قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی «اذن ولی امر» را برای اجرای قصاص ضروری دانسته است و ولی امر، به تصریح ماده ۲۰۵ همان قانون، می‌تواند این اذن را به «رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض نماید». اکنون در اجرای این ماده، همه پرونده‌های منجر به حکم قصاص، پس از طی کلیه مراحل قانونی باید مرحله استیذان از رئیس قوه قضائیه را نیز پشت سر بگذرانند تا حکم قصاص قابل اجرا شود. در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که اکنون در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است نیز شبیه به همین مقررات در مواد ۳۳۳ به بعد پیش‌بینی شده است. این مقاله در صدد آن است تا نشان دهد که طرح مسأله استیذان در متون فقهی مربوط به فرضی است که در آن ولی دم قصد دارد شخصاً و بدون اذن حاکم (قاضی) قاتل را قصاص نماید. بنابراین هرگاه استیذان مذکور در قانون مجازات اسلامی بدین اعتبار قانونگذاری شده باشد - که ظاهراً چنین شده است - استیذان فاقد مبنای فقهی است هرچند در شرایط کنونی قبول استیذان به دلیل «احتیاط» قابل توجیه است بلکه به همین دلیل اجرای آن در حدود نیز موجه است.

کلیدواژه‌ها: قصاص، استیذان، اذن ولی امر، اذن حاکم، ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی

طرح مسأله

ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر نموده است:

* معاون آموزش و پژوهش دیوان عدالت اداری

«قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیاء دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و ولی امر می‌تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض نماید»^۱.

ماده ۲۶۹ نیز در مورد «قطع عضو و یا جرح آن» که «اگر عمدی باشد موجب قصاص است»، اذن ولی امر را برای قصاص ضروری دانسته است.^۲ نتیجه اینکه به موجب قانون مجازات اسلامی، استیفای قصاص مستلزم اذن ولی امر است. اما اینکه «اولیاء دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را [...] قصاص نمایند» می‌تواند دو معنای مختلف داشته باشد:

الف- اولیاء دم از این نظر که صاحبان حقتند می‌توانند رأساً و شخصاً و بدون مراجعه به دادگاه و قاضی و فقط با مراجعه به ولی امر (یا نماینده او) و کسب اجازه از او، قاتل را قصاص نمایند.

ب- اولیاء دم حق دارند که از دادگاه و قاضی بخواهند تا حکم قصاص را صادر نمایند و پس از صدور حکم نهایی با اذن ولی امر یا نماینده او، قاتل قصاص شود؛ صرف نظر از اینکه خود بخواهند رأساً قاتل را قصاص کنند یا اینکه از قوه قضائیه بخواهند که قاتل قصاص شود.

اما هر اندازه روشن و واضح به نظر می‌رسد که مراد قانونگذار در ماده ۲۰۵ و ۲۶۹ معنای دوم است، مسأله‌ای که در فقه مطرح شده معنای اول است. به عبارت دیگر تتبع در فقه حکایت از آن دارد که برخی از فقها اقدام شخصی ولی برای استیفای قصاص را -

۱. قانون مجازات اسلامی، روزنامه رسمی، شماره ۱۳۶۴۰ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱. اولین قانون مربوط به اجرای حدود و قصاص یعنی «قانون حدود و قصاص و مقررات آن» مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ نیز در ماده ۱ خود چنین آورده بود: «قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیاء دم می‌توانند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد به قتل برسانند». ماده ۱-۳۲۳ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است همین مقررات را آورده است: «در استیفای قصاص اذن ولی امر یا نماینده او معتبر است» و ماده ۲-۳۲۳ مقرر می‌نماید: «اجرای قصاص پس از استیذان از ولی امر توسط رئیس قوه قضائیه باید به وسیله مراجع قضائی مربوط انجام گیرد». برای ملاحظه لایحه مزبور، نک: www.Judiciary-de.ir

۲. ماده ۲۶۹: «قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید. تبصره ۱- «...».

مانند آنچه که در باب تقاص مطرح است - جایز دانسته‌اند و برخی دیگر آن را مجاز ندانسته‌اند و حکم به استیذان از ولی امر نموده‌اند.

استیذان در فقه

بدون آنکه فرصت طولانی صرف نقل اقوال موافقان و مخالفان نمائیم به نمونه‌هایی از این اختلاف نظرها اشاره می‌کنیم:

محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام و شیخ محمدحسن نجفی در کتاب جواهرالکلام هر دو بر این نظرند که اذن امام برای استیفای قصاص ضروری نیست: «هرگاه ولی دم یک نفر باشد^۳ می‌تواند شخصاً و بدون اذن امام (ع) یا نایب او مبادرت به قصاص نماید همانگونه که در کتاب مبسوط [شیخ طوسی] نیز آمده و فاضل و فرزند او و شهیدین و ابوالعباس و مقدس اردبیلی و غیر اینان بر اساس آنچه که از برخی از فقها نقل شده بر همین نظرند بلکه در کتاب مسالک [الافهام] این قول به اکثر فقها نسبت داده شده و در کتاب ریاض همین نظر به اکثر متأخرین بلکه همه آنان نسبت داده شده است»^۴.

عبارت فوق به روشنی نشان می‌دهد که آنچه مورد بحث و اختلاف است «مبادرت» ولی دم به قصاص، با اذن یا بدون اذن امام (ع) است یعنی سخن در این است که آیا ولی دم می‌تواند بدون اذن امام قصاص نماید یا باید از امام (ع) استیذان نماید.

اما در مقابل، برخی دیگر از فقها اقدام ولی دم، بدون استیذان از امام (ع) را سزاوار ندانسته‌اند. صاحب جواهر نظر مخالفان را چنین بیان کرده است:

۳. قید «ولی دم یک نفر باشد» به بحث اذن امام مربوط نیست بلکه منظور این است که اگر ولی دم متعدد باشد، یکی از آنها نمی‌تواند به تنهایی اقدام به قصاص نماید بلکه باید نظر همه اولیاء دم به قصاص جلب شود. «و ان كانوا ای الاولیاء جماعة لم یجز الاستیفاء الا بعد الاجتماع» شیخ محمدحسن النجفی، جواهر

الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۴۲، ص ۲۸۹.

۴. اذا كان الولی واحداً جاز له المبادره من غیر اذن الامام (ع) او نائبه كما عن موضع من المبسوط واختاره الفاضل و ولده و الشهدان و ابوالعباس و المقدس الاردبیلی و غیر هم علی ما حکى عن بعضهم، بل فی المسالک نسبة الی اکثر، و فی الریاض الی اکثر المتأخرین بل عامتهم. پیشین، ص ۲۸۶. عبارت ریاض این است: «و للولی الواحد المبادرة بالقصاص بعد تیقنه بثبوته من دون توقف علی شیء وفاقاً لأحد قولی المبسوط و علیه اکثر المتأخرین بل عامتهم لانه كأخذ الشفعه و سائر الحقوق و لعموم فقد جعلنا لولیة سلطاناً و نحوه من الادلة الدالة علی جواز القصاص»، ریاض المسائل، طبقة الحديث، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

«از خلاف شیخ طوسی نقل شده است که: سزاوار نیست (کراهت دارد) که ولی دم شخصاً اقدام به قصاص نماید زیرا این امر در اختیار امام (ع) یا نماینده اوست و در این مورد اختلافی بین فقها وجود ندارد، ...»^۵

و از کتاب غنیه نیز نقل شده که قصاص را فقط «سلطان الاسلام» یا کسی که از سوی او مأذون است می‌تواند استیفا نماید تا آنجا که برخی از آن چنین برداشت کرده‌اند که گویا اذن امام ضروری برای استیفای قصاص است.^۶

به هر حال هرچند صاحب جواهر و محقق حلی استیذان از امام را ضروری نمی‌دانند اما نهایتاً چنین نتیجه می‌گیرند که «اولی و احوط این است که قصاص با اذن امام (ع) انجام شود و این احتیاط با توجه شبهه [مذکور در کتاب] اختلاف و رعایت قاعده احتیاط در دماء، اولی است. نتیجه اینکه قول برخی از فقها که اقدام شخصی ولی دم را حرام دانسته‌اند دلیل قابل توجهی ندارد بلکه ظاهر ادله، خلاف آن است».^۷

در میان فقهای متأخر امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله مبادرت ولی دم به استیفای قصاص را، بنابر احتیاط، جایز نمی‌دانند تا آنجا که هرگاه ولی دم بدون اذن «والی مسلمین» قصاص نماید مستحق تعزیر است.^۸

بنابراین آنچه که در فقه تحت عنوان اذن یا استیذان از آن بحث شده است ناظر به موردی است که ولی دم رأساً و شخصاً بخواهد قاتل (یا جانی) را قصاص نماید. با این فرض که وی ثبوتاً حق قصاص داشته باشد یعنی واقعاً و در نفس الامر قاتل (یا جانی) مستحق قصاص باشد و ولی دم نیز همان قصاص‌کننده باشد.

۵. و فی محکی الخلاف «لاینبغی أن یقتص بنفسه، لأن ذلک للأمام او من یأمره بالخلاف»، شیخ محمدحسن

النجفی، پیشین، ص ۲۸۷.

۶. همان، ص ۲۸۷.

۷. ولكن مع ذلك الاولى والاحوط توقفه على اذن الامام (ع) خروجاً عن شبهة الخلاف واحتياطاً في الدماء و

اما ما قبل من انه تحرم المبادرة كما سمعته فلا دليل معتد به عليه، بل ظاهر الادله خلافه، همان، ص ۲۸۸.

۸. الاحوط عدم جواز المبادرة للولی اذا كان منفرداً الى القصاص سيما في الطرف الامع اذن والی المسلمین

بل لا یخلو من قوة. ولو بادر فللوالی تعزیره ولكن لاقتصاص علیه ولا دیه. روح الله الموسوی الخمينی [امام

خمینی (ره)]، تحریر الوسیله، الجزء الثاني، مطبعة الاداب فی النجف الاشرف، ص ۵۳۴، مسأله ۶.

استیذان در قانون مجازات اسلامی

اما در مورد استیذان مذکور در ماده ۲۰۵ ظاهراً کسی تردیدی نکرده است که مربوط به پس از حکم قاضی است. این معنا را علاوه بر اینکه می‌توان از قید «با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه» که در ماده ۲۰۵ آمده است فهمید، از ماده ۲۶۵ نیز قابل برداشت است. ماده ۲۶۵ می‌گوید: «ولی دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولی امر می‌تواند شخصاً قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد». محتوای این ماده همان «مبادرت» به قصاص است که قانونگذار آن را موکول به «ثبوت قصاص» نموده و منظور از ثبوت قصاص «اثبات آن در دادگاه» است نه ثبوت آن در نفس الامر و از این نظر عبارت قانون نارساست همانگونه که ماده ۲۰۵ نیز چندان رسا نیست آنقدر که هرگاه بخواهیم به الفاظ آن اکتفا کنیم می‌توانیم بگوئیم که ماده ۲۰۵ می‌تواند ناظر به اقدام شخصی ولی دم برای استیفای قصاص باشد.^۹ به هر حال استیذان ماده ۲۰۵ به ترتیبی که از آن ماده فهمیده و اکنون نیز اجرا می‌شود مربوط به موردی است که حکم قطعی و نهایی قصاص از دادگاهها و دیوان عالی کشور صادر گردیده و زمان اجرای آن فرا رسیده است. قانونگذار به ما می‌گوید که «اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند». اما منظور از این عبارت چیست؟ آیا منظور این است که:

– اگر اولیای دم بخواهند «شخصاً» قاتل را قصاص نمایند باید از ولی امر کسب اجازه نمایند؟ یعنی اگر قرار باشد مأمور زندان، قاتل را به قتل برساند به اذن نیازی نیست؟ واقعیت این است که منطوق عبارت، مفهوم چنین معنایی است. اینکه «اولیای دم می‌توانند قاتل را قصاص نمایند» غیر از این است که گفته شود «اولیای دم می‌توانند قصاص قاتل را درخواست نمایند».

با وجود این، اختلافی وجود ندارد که منظور از عبارت ماده ۲۰۵ همین معنای اخیر است و قانون مجازات اسلامی و بسیاری قوانین دیگر مالمال از اینگونه ضعفهای نگارشی است، ضعفهایی که استقرای آنها عمر نوح و صبر ایوب می‌خواهد. بنابراین تردید نمی‌کنیم که منظور قانونگذار این بوده است که پس از طی کلیه مراحل

۹. در ماده ۳-۳۲۳ لایحه جدید پیشنهادی قانون مجازات اسلامی صریحاً اولیای دم از اقدام به قصاص، بدون استیذان منع شده‌اند: «چنانچه اولیای دم بر خلاف مقررات فوق اقدام به قصاص کنند به عنوان مخالف با نظامات دولتی و قضائی به مجازات تعزیری از ۶ ماه تا ۱ سال زندان محکوم می‌شوند».

دادرسی و عاقبة الامر، ولی دم پس از استیذان از رئیس قوه قضائیه می‌تواند درخواست نماید تا جانی قصاص شود. حال که چنین است باید پرسید که مبنای این استیذان چیست؟

از بیانات گذشته روشن شد که استیذان مورد بحث در فقه ربطی به این استیذان ندارد. بنابراین، هرگاه قانونگذار ما در تصویب ماده ۲۰۵ راه خطا نپیموده باشد راهی جز این وجود ندارد که در جستجوی مبانی دیگری برای توجیه استیذان ماده ۲۰۵ برآئیم:

الف - می‌توان تصور کرد که اذن ولی امر برای اجرای قصاص در آخرین حلقه از حلقه‌های رسیدگی، برای مشروعیت بخشیدن به حکم صادره از ناحیه قضات مأذون است. اما این بیان، تمام نیست. چه، هرگاه چنین باشد به قیاس اولویت تنفیذ احکام حدود از ناحیه ولی امر لازم‌تر است. چه اگر در قصاص سلطان و تسلط به ولی دم داده شده است^{۱۰} حدود، یکسره در اختیار ولی امر و حاکم اسلامی است. نتیجه اینکه استیذان ماده ۲۰۵ نمی‌تواند به دلیل لزوم تنفیذ احکام قضات باشد.

ب - ممکن است بر آن بود که استیذان ماده ۲۰۵ به لحاظ لزوم رعایت اصل احتیاط در دماء است. این احتیاط البته مورد تأکید شرع است اما باز به مسأله قصاص اختصاص ندارد بلکه در حدودی مثل صلب و سرقت نیز جریان دارد حدودی که اصل درء شبهه به شبهات نیز بر آنها حاکم است و این جز به ملاحظه احتیاط و براءت نیست پس چگونه در حدود این احتیاط اجرا نشود؟

اشکالات وارد بر استیذان قانون مجازات اسلامی

هرگاه استیذان را به معنای مذکور در ماده ۲۰۵ و فقط در موضوع قصاص منحصر بدانیم با سوالات و ابهاماتی مواجه می‌شویم:

۱۰. «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً» قرآن کریم، سوره الاسراء، آیه ۳۳.

(۱) در ماده ۴-۳۲۳ لایحه جدید پیشنهادی قوه قضائیه که اکنون در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است به «مراسم استیذان» اشاره می‌کند که نوعی اشعار بر تشریفاتی بودن استیذان دارد: «استیذان از ولی امر در اجرای قصاص به جهت نظارت بر حسن اجرا و رعایت حقوق اولیاء و اطراف دیگر دعوا می‌باشد و نباید مراسم استیذان مانع از امکان استیفای اولیا و محروم ماندن آنان از حق قصاص شود».

۱. استیذان به عنوان مرحله‌ای از مراحل دادرسی

آیا استیذان مرحله‌ای از مراحل دادرسی است؟ یعنی ولی امر یا نماینده او در مقام اذن باید موضوع را - یعنی حکم و موضوع را - مورد رسیدگی قرار دهد تا از تحقق خارجی موضوع - یعنی وقوع واقعه - و انطباق حکم بر موضوع اطمینان حاصل نماید؟ فراتر از این، آیا تفسیر دادرسان از قانون را باید مورد تأیید قرار دهد؟ و خلاصه آیا استیذان مرحله‌ای از مراحل دادرسی است یا مرحله تشریفات در زمان حکم است؟ (۱) یا نظارت شرعی بر امکان اجرای حکم ممکن است تلقی شود؟ یا اساساً ماهیتی غیر از اینها است؟ هرچند رویه عملی فعلی با هیچیک از فروض اخیر سازگار نیست اما این معنا نیز روشن است که استیذان مرحله‌ای از مراحل دادرسی نیز تلقی نمی‌شود.

۲. استیذان به عنوان مرحله‌ای از رسیدگی شکلی

منظور از رسیدگی شکلی آن است که مرجع رسیدگی کننده، حق نداشته باشد که استنباط قاضی پیشین از قانون را به دلیل استنباط متفاوت خود، بی‌اعتبار نماید بلکه تنها بر شکل رسیدگی قاضی پیشین نظارت نماید که هرگاه قواعد شکلی دادرسی مراعات نشده باشد حکم قاضی نقض شود و این وظیفه‌ای است که در نظامهای حقوقی رومی - ژرمنی به عهده دیوان عالی کشور نهاده‌اند و منظور قانونگذار اساسی ما نیز در اصل ۱۵۶ که به موجب آن وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین به عهده دیوان عالی است، همین بوده است.

به هر حال می‌توان پرسید که آیا استیذان مرحله‌ای از رسیدگی شکلی اینچنینی است؟ هر چند ممکن بود منطبق حقوقی در شرایط فعلی چنین وضعیتی را ایجاب نماید اما آنچه در عمل می‌گذرد چنین نیست.

۳. اختیار ولی امر در اذن یا عدم اذن

آیا ولی امر یا نماینده او با وجود مطالبه اولیاء دم و صدور حکم قطعی و لازم‌الاجرا از محاکم می‌تواند با استیذان موافقت نماید؟ اگر چنین باشد آیا ولی امر باید اشکالی در استنباط قاضی بیابد یا بنا به ملاحظات و مصالحی خارج از مسائل مربوط به استنباط قانون یا اشتباه در واقعه نیز می‌تواند از صدور

اذن خودداری کند؟ آیا منظور این است که استنباط اجتهادی ولی امر یا نماینده او از قانون مقدم بر استنباط اجتهادی قاضی پیشین است؟ و در هر یک از این فروض، هرگاه ولی امر بتواند به هر دلیل از صدور اذن خودداری کند حکم ماجرا چگونه تعیین می‌شود؟ آیا صدور حکم جدید به عهده ولی امر است؟

بازگشت ابهامات فوق در حقیقت به سوی ابهامی است که به آن اشاره کردیم و آن ابهام در تلقی یا عدم تلقی استیذان به عنوان مرحله‌ای از مراحل رسیدگی است.

۴. عدم استیذان به دلیل اشتباه بین

واقعیت این است که وصف «اشتباه» باید مربوط به واقعه باشد نه حکم. به عبارت دیگر، اشتباه، مربوط به موضوعات خارجی است و نه مربوط به استنباط از قوانین. استنباطات مختلف از قوانین، توصیف اشتباه بر نمی‌تابد. بنابراین نباید استنباط «قاضی دیگر» از قانون را متصف به وصف «اشتباه» کرد مادام که استنباط وی متکی بر دلایل و استنادات اوست.^{۱۱} بر این اساس، هرگاه عدم استیذان متکی به اختلاف در استنباط باشد تجویز اعمال آن نیازمند دلیل است. اما اگر عدم استیذان به دلیل اشتباه بین باشد، احراز این اشتباه نیازمند رسیدگی است. یعنی احراز این اشتباه، مستلزم آن است که ولی امر یا نماینده او شکایت شاکی، دفاعیات متهم و شهادت شهود را استماع نماید و همه آنچه را که لازمه دادرسی و رسیدگی است مورد بررسی مجدد قرار دهد تا اشتباه موضوعی احتمالی احراز شود.

۵. شمول استیذان نسبت به غیر قصاص

آیا استیذان فقط مربوط به قصاص است یا برای احکام اعدام نیز باید اجرا شود؟ تردیدی وجود ندارد که قانونگذار استیذان را فقط مربوط به قصاص دانسته است اما واقعیت این است که اگر مبنای تجویز استیذان احتیاط در دماء باشد می‌تواند در مورد احکام اعدام نیز جاری باشد.

۱۱. این بیان با قول به تخطئه که مقبول فقهای ماست دقیقاً قابل انطباق است. در حقیقت، توصیف استنباط قاضی دیگر به «اشتباه» موافق قول اهل تصویب است. نک: محمدجواد شریعت باقری، «اشتباه در حکم و اختلاف در استنباط»، در: *فقه و حقوق تطبیقی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۶. استیذان برای مشروعیت حکم قضا

استیذان در قصاص ممکن است به عنوان مبنائی برای مشروعیت بخشیدن به احکام قضات مأذون تلقی شود. اما این بیان به هیچوجه «تمام» نیست چه اگر چنین باشد باید در مورد همه احکام اعم از حدود، دیات و تعزیرات جریان یابد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

از مجموعه مطالب و ملاحظات فوق الذکر می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. استیذان در قصاص به ترتیب مذکور در قانون مجازات اسلامی، فاقد مبنای روشن است و می تواند حذف شود.
۲. هرگاه به دلیل احتیاط، استیذان موجود بهتر است نگهداری شود پیشنهاد می شود در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی در مورد پرونده های مربوط به اعدام و حدود مهم نیز استیذان پیش بینی شود.
۳. هرگاه گزینه های اول و دوم به هر دلیل قابل تحقق نباشد، ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی تفسیر به موردی شود که ولی دم شخصاً می خواهد قصاص نماید. این تفسیر لاقول دارای این فایده است که بحث استیذان مذکور در قانون مجازات اسلامی را با فقه منطبق خواهد کرد. پیش بینی استیذان در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی (به نحو مذکور در ماده ۳۲۳ آن لایحه) اشکالات و نارسایی های اصلی استیذان را رفع نمی کند.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code
(A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study